



# «تعاون در کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال توسعه»

## تعاون در کشورهای سوسیالیستی

تاریخ نهضت تعاون در کشورهای سوسیالیستی را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. قبل از برقراری حکومت سوسیالیستی همان مفهوم سنتی تعاون در این کشورها رواج داشت و نهضت تعاون رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان داده بود. «حدود ۱۵ درصد از جمعیت ممالک اروپای شرقی، تا قبل از جنگ دوم جهانی عضو تعاونها بودند.» اما پس از استقرار حکومت سوسیالیستی، تعاونها باید به ابزاری تبدیل میشدند تا بتوانند در سوسیالیستی کردن اقتصاد نقش موثری داشته باشند. از نظر رهبران مارکسیسم-لنینیسم، تعاون (سنتی) وسیله‌ای نبود که بتواند اهداف سوسیالیسم را برآورده سازد. «لنین در باره تعاونها چنین

نوشت: «منحصراً از سازمانهای تعاونی — که سابقاً آن را بیفایده می‌شمردیم و اکنون به خود حق میدهیم که تحت برنامه جدید اقتصادی (NEP) آن را بی فایده تلقی کنیم — نمی‌توان یک جامعه سوسیالیستی کامل بوجود آورد<sup>۱</sup>». کارل مارکس هم در عصر خویش هرگز از نهضت تعاون پشتیبانی موثری بعمل نیاورد. هر چند اهمیت نهائی تعاون را قبول داشت ولی این نهضت را عاملی میدانست که از سقوط سرمایه‌داری جلوگیری می‌کند. اما مالاً لنین به تعاونها بعنوان شرکت‌های واسطه‌ای می‌نگریست که در تبدیل جامعه سرمایه‌داری به سوسیالیست تسهیلات لازم را فراهم می‌آوردند. وی در طرح تعاون خویش نقش مهمی را برای شرکتهای تعاونی تعیین کرده است. نقشی که در جریان تاریخی تکامل و

(1): Encyclopaedia Britannica Inc. *Op.cit*, p.453.

(۲) — لوئیس اسمیت، سیر تکامل کشاورزی (تهران: سازمان مرکزی کشور، آذرماه ۱۳۴۹)، ص ۵۴.

قبل از برقراری حکومت سوسیالیستی همان مفهوم سنتی تعاون در این کشورها رواج داشت و نهضت تعاون رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان داده بود.

مزارع که در آغاز با شدت (در شوروی) اجرا گردید بعدها تعدیل پیدا کرد. از جانب کشاورزان نیز مقاومت زیادی در مقابل اشتراکی کردن وجود داشت که به بروز تعدیلاتی در آن منجر گردید.

بجز مزارع تعاونی، مؤسسات تعاونی دیگری نیز در ممالک سوسیالیستی یافت میشوند: «سازماندهی بازرگانی داخلی در ممالک سوسیالیستی با وجود شرکت‌های دولتی در مراکز شهری و تعاونیها در مناطق روستائی مشخص می‌گردد. در هر مورد، عملیات معمولاً در دست حزب حاکم است که سهمیه و قیمت کالاها را هماهنگ با برنامه اقتصاد ملی تنظیم می‌کند.

مازاد بر اساس مشارکت در کار و نه خرید تقسیم می‌گردد. تعاونیهای تولیدی در صنایع خانگی و یا صنایع دستی نیز تشویق می‌گردند چون قادرند کالاهای مصرفی بیشتری را با هزینه کم و با استفاده از مواد خام محلی تولید کنند و بدین ترتیب کارگران ماهر بیشتری به جریان سوسیالیسم کشیده شوند.»<sup>۲</sup>

بطور کلی تعاون در ممالک سوسیالیستی شکل متفاوتی بخود گرفته است بنحوی که

پیشرفت انقلاب بصورت نا پایداری تجلی می‌یابد.

هنگامیکه حکومت سوسیالیستی قدرت را بدست آورد الگوی اساسی سوسیالیستی کردن، برقراری کنترل مستقیم دولتی بر صنایع بزرگ و اشتراکی کردن تدریجی باقیمانده بخش‌های اقتصادی بود. اشتراکی‌ها بعنوان شکل مرفقی تعاون سنتی معرفی شدند و قرار شد کشاورزی در چهار مرحله سازماندهی شود: (۱) - از ماشین‌آلات بصورت اشتراکی استفاده شود. (۲) - زمین بصورت اشتراکی کشت شود اما هنوز در مالکیت خصوصی افراد باشد. (۳) - همه دارائی‌ها اشتراکی شود به استثنای قطعات کوچک زمین. (۴) - تمام زمینهای به مالکیت اشتراکی درآید و تمام درآمدها به نسبت کار انجام یافته تقسیم گردد. ۱

اما عملاً اشتراکی کردن طرحی ناپایدار داشته و مرتباً دستخوش تغییر گردیده است. در کشورهای مختلف سوسیالیستی نیز اشکال گوناگونی از آن مشاهده می‌گردد که نشاندهنده عدم وجود یک طرح تعاون اشتراکی مشخص است. اشتراکی کردن

(1): Encyclopaedia Britannica Inc. *Op.cit.*, p.453.

(2): *Ibid.*

## تعاونی‌ها در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

سابقه نهضت تعاونی در شوروی به قبل از انقلاب اکتبر باز می‌گردد. تعاونی‌های مصرف کنندگان روسیه با الغای نظام فئودالی در سال ۱۸۶۵ بوجود آمدند. و تا پایان قرن نوزدهم تعداد اعضای آن به ۲۰۵ هزار نفر میرسید. انقلاب ناموفق ۱۹۰۵ باعث شد تا دولت وقت که در جستجوی ابزاری برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی مردم بود به تعاونی‌ها روی آورد بطوریکه در سال ۱۹۱۴ تعداد اعضای آنها به بیش از یک میلیون نفر رسید.<sup>۲</sup>

«قبل از الغای نظام فئودالی، رعایا بصورت گروههای زراعی، بر روی زمین فئودالها، اربابان، کلیسا و یا پادشاه کار میکردند. این گروهها را «آرتل» (Arte) مینامیدند. بعد از آزادی رعایا کوششهایی بعمل آمد تا آنها را به یک ابزار مفید اقتصادی تبدیل کنند اما تعداد آرتل‌ها کم شد و عده باقیمانده نیز بسیار ضعیف و از حیث تکنولوژی عقب افتاده بودند.

در سال ۱۹۱۷-۱۹۱۹ عمده‌ترین شکل زراعت گروهی، «اشتراکی‌ها» (Communes) بودند. اینها مرکب از گروهی کارگران کشاورزی بودند که به اشتراک، تولید و مصرف می‌کردند و تا سال

تعاریف سنتی تعاون، آنها را تعاون واقعی نمی‌داند. آنها برای اجرای هدف دیگری که خصوصیات تعاون قبلی قادر به برآوردن آن نبود شکل گرفتند. اما علی‌رغم بی‌اهمیت انگاشتن تعاونی‌ها و یا عدم موافقت مارکسیسم با آن، نقش مهمی بر عهده همین تعاونی‌ها گذاشته شده است. در سال ۱۹۷۱ در لهستان تعاونی‌ها ۵۵ درصد از حجم خرده فروشی را در اختیار داشتند.<sup>۱</sup> در همین سالها حدود ۴۳ درصد از کل جمعیت لهستان تحت پوشش فعالیت تعاونی‌ها بوده‌اند. این نسبتها بسیار بیشتر و بالاتر از نسبتهای مربوطه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری هستند. اما یک تفاوت مهم بین تعاونی در این دو گروه از کشورها وجود دارد: تعاونیهای کشورهای سوسیالیستی دخالت کامل دولت در امور تعاونی‌ها را به نمایش می‌گذارد، حال آنکه تعاونیهای کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری کاملاً از دخالت دولت بدورند و استقلال خود را از هر جهت حفظ کرده‌اند. در این کشورها نهضت تعاونی جنبشی داوطلبانه و خود جوش بوده است، نه مانند کشورهای سوسیالیستی اجباری و هدایت شده.

(1): *Poland, A Handbook* (Warsaw: Inter press Publishers 1974), p.283.

(2): *Encyclopaedia Britannica Inc. Op.cit*, p.453.

۱۹۲۸ که برنامه اشتراکی کردن آغاز شد وجود داشتند. اما در همین زمان تعداد آرتل‌هایی که رعایای فقیر ایجاد کرده بودند اندکی افزایش یافت. در آرتل‌ها وسایل تولید در مالکیت اشتراکی قرار داشت اما هر عضو، خانه متعلق به خود، قطعه کوچکی زمین و چند حیوان در اختیار داشت. آرتل‌ها معمولاً شامل ۲۰-۲۵ خانوار میشدند بنابراین برای کار در زمینهای محلی وقت بسیار کمی باقی می ماند. محصول نیز بر طبق کمیت و کیفیت کار هر عضو تقسیم میشد.

شکل دیگر زراعت گروهی، «انجمن کشت ( Cultivation Association )» است که در آن وسایل تولید در مالکیت فردی اعضا قرار داشت. هر خانواده صاحب زمین و محصول خودش بود. اما پاره‌ای از کارها بصورت اشتراکی انجام میشد.

تا سال ۱۹۲۸ بعلت واپس ماندگی اقتصادی و مقاومت زارعان در مقابل تاسیس تعاونیهای زراعی از جانب دولت، خواست بسیاری از زمینداران مبنی بر حفظ مالکیت بر زمینهایشان برسمیت شناخته شد. برنامه جدید اقتصادی که در سال ۱۹۲۱ تنظیم شد این خواست را تأیید میکرد. توزیع زمین و گسترش انواع تعاونیها بخشی از این برنامه بود. تعداد تعاونیهای کشاورزی که بوسیله زارعین تاسیس شده بود از آن به بعد روبه افزایش

نهاد. این شرکتهای تعاونی با سهام اعضا وجود آمده بودند و وسائل تولید و بازار فروش را برای اعضا خود تأمین میکردند. در سال ۱۹۲۸ شمار آنها به ۱۰۰ هزار میرسید. هر کدام از آنها در یک نوع محصول تخصص داشته و صاحب نمایندگیهای صادراتی در شهرهای مختلف اروپا بودند.

لنین اعتقاد داشت: «از طریق تعاونیهای کشاورزی که بتدریج تمام کشاورزان را در بر گرفته و امور بازاریابی، پردازش و مصرف کالاهای نهائی را بر عهده گیرند اشتراکی کردن کشاورزی ممکن خواهد بود» بخصوص بر جنبه ماهیت ارادی عضویت بعنوان شرط لازم توسعه تعاونیهای کشاورزی تأکید داشت. اما استالین عقیده‌ای خلاف آنرا داشت و چهار سال بعد از مرگ لنین اشتراکی کردن بنیانی کشاورزی را آغاز کرد.

در آغاز اشتراکی کردن همه جنبه کشاورزی در سالهای ۱۹۲۸-۲۹ تنها ۲ درصد از کل تولیدات کشاورزی در اختیار مزارع دولتی بود و ۹۸ درصد بقیه در مزارع خصوصی تولید میشدند. این امر میزان مؤثر بودن مقاومت کشاورزان در مقابل اشتراکی کردن کشاورزی را تا آن موقع نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

کولاکها ( Kulaks ) یا زارعان مرفه در احتراز از پیوستن به مزارع اشتراکی بسیاری

(1): Mandana Fazel Sarjui, *Farm Cooperation in Agricultural Development of Iran*,

Illinois: University of Illinois. M.S. thesis 1980. pp. 32-35.

بازارهای خارج از کشور نیز پیوند خورده بودند وجود داشت.

در طول دوره اشتراکی کردن تمام مزارع گروهی - بجر مزارع دولتی «ساوخوز» (Sovkhoz) به آرتل تبدیل شدند و نام کلی «کولخوز» (kolkhoz) بر خود گرفتند.<sup>۳</sup>

از وسایل کار، ساختمانها، نیمی از گوسفندان و بزها  $\frac{1}{4}$  از گاوها در حدود  $\frac{1}{4}$  از اسبها را تا سال ۱۹۳۱ از بین بردند که در عمل اشتراکی کردن مزارع به قیمت بسیار سنگینی تمام شد... سطح تولیدات کشاورزی بدنبال اشتراکی کردن کشت

اشتراکی کردن کشاورزی در کشورهای سوسیالیستی عملاً طرحی ناپایدار داشته و مرتباً دستخوش تغییر گردیده است.

علاوه بر آن کلیه شرکتهای تعاونی روستائی منحل و سازمانهای معاملاتی دولتی جانشین آنها شدند و تعداد زیادی از شرکتهای تعاونی دیگر مشمول مصادره گردیدند.<sup>۴</sup> پس از جنگ جهانی دوم مزارع اشتراکی به مزرعه های بزرگتری تبدیل گردیدند. در سال ۱۹۵۰ تعداد ۲۵۰ هزار مزرعه اشتراکی کوچک در یکدیگر ادغام شدند و به ۹۷ هزار مزرعه بزرگ به صورت «شهرهای کشاورزی» مبدل گشتند. چنین بنظر میرسد که مقصود و نیز نتیجه عملی تبدیل مزرعه های کوچک به مزرعه های بزرگ سست کردن عنصر تعاون بوده است. بدین

ابتدا بشدت کاهش یافت ولی کم کم تولیدات کشاورزی و سهم دولت از این تولیدات افزایش یافت<sup>۱</sup>، شاید هیچ صحنه ای به این حد نشان دهنده شدت انگیزه های «فردی» و «خصوصی» نباشد بطوری که بی اعتنایی به آن در شوری زیان و خسارت بسیار زیادی بار آورد و پس از آن نیز اگر چه بعد از یک کاهش شدید، میزان محصول افزایش یافت اما «بار آوری و کارائی کشاورزی شوری در مقایسه با سایر کشورهای صنعتی همچنان پائینتر باقی مانده است<sup>۲</sup>». در حالی که قبل از اشتراکی کردن ۱۰۰ هزار تعاونی زراعی که با

(۱) - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. بررسی امکانات خرید کالا و خدمات از کشورهای عضو شورای همکاری متقابل اقتصادی کومکن (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۷) صص ۳۲-۳۳.

(2): Ibid. p.39.

(3): Ibid. p.36.

(۴) - فرانتس هلم، اقتصاد و مؤسسات تعاونی (تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور بهمن ماه ۱۳۴۹) صص ۲۸۲.

دوران بعد از جنگ ضروریات سیاسی تعیین کننده میدان عمل آنها بود. در سال ۱۹۵۸ اتحادیه مرکزی تعاونیهای مصرف ۳۴ میلیون نفر عضو داشت و ۲۹ درصد از کل حجم خرده فروشی در شوروی در اختیار این اتحادیه بود.<sup>۴</sup>

فروشگاههای تعاونی عمدتاً در مناطق روستائی متمرکزند و در تملک و اداره شرکت های تعاونی مصرف کنندگان قرار دارند. این شرکتها و مجموعه فروشگاههای آن، همراه با شرکت های دولتی و شرکت های متعلق به مزارع اشتراکی، سه رکن بازرگانی داخلی شوروی را تشکیل میدهند.<sup>۵</sup>

«از آغاز دهه ۱۹۸۰ تحولاتی در شیوه کشاورزی اشتراکی شوروی صورت گرفته است. در سال ۱۹۸۲ برای تشویق تولید، قیمت های خرید محصولات کشاورزی افزایش یافت و ایجاد «گروههای مستقل کار» در مزارع جمعی اعلام شد. بر اساس چنین شیوه ای گروههای کوچک کار (یا بریگادها) طبق قرار داد کار میکردند. بدین نحو که به ازای هر مقدار محصول تحویلی قیمت ثابتی برای آن دریافت میدارند و

طریق کشاورزان، مانند کارگران کارخانه ها، تقریباً به مزدبگیر تبدیل گردیدند.<sup>۱</sup>

بهر حال اشتراکی کردن کشاورزی که در دهه ۱۹۳۰ شروع شده بود بعدها به علت مقاومت کشاورزان آهسته تر شد و هر خانوار اجازه یافت تا قطعه زمینی به مساحت نیم جریب (ACRE) چند حیوان و مقداری ابزار در مالکیت خود داشته باشد.<sup>۲</sup> مزارع اشتراکی در شوروی هر چند تغییرات مداومی را پشت سر گذاشته اند اما تا کنون اصول آزادی انتخاب و عضویت اختیاری را تجربه نکرده اند. کسانی که فاقد هر نوع حیوان یا ابزار آلات کشاورزی اند تمایل دارند تا به این قبیل موسسات ملحق شوند لیکن برای گروه کثیری از کشاورزان عضویت در این سازمان اجباری است. بر اساس قوانین سال ۱۹۳۳ کشاورزان نباید بدون اجازه مسئولین واحد زراعی آنرا ترک کنند.<sup>۳</sup>

تعاونیهای مصرف کنندگان در شوروی کمتر به چنین سرنوشتی دچار شدند. در طول جنگ دوم جهانی، دولت توزیع کالا را بوسیله تعاونیهای مصرف کنترل میکرد. در

(1) - لوئیس اسمیت، پیشین، ص ۵۵.

(2): Encyclopaedia Britannica Inc. *Op.cit*, p.453.

(3): Mandana Fazel Sarjui, *Op.cit*, p. 37.

(4): Encyclopaedia Britannica Inc. *Op.cit*, p.453.

(5): Europa Publication Limited *The Europa Yearbook 1985*, 2 Vols I (England: Europa Publication Limited, 1986). Vol. 2, p. 2667.

سپس خودشان در میان گروه، مزد و پاداش افراد را به تناسب کار انجام شده تعیین می‌کنند. این شیوه به علت کیفیت پائین داده‌های کشاورزی ارائه شده به کشاورزان خوب عمل نکرد.

با اعلام اصلاحات جدید در بخش کشاورزی در ابتدای سال ۱۹۸۶ قرار شد مزارع جمعی و دولتی که مازاد بر هدف تعیین شده تولید، محصول ارائه دهند برای مقادیر مازاد، ۵۰ درصد اضافه قیمت بعنوان پاداش دریافت دارند... همچنین قرار شد به مزارع دولتی و جمعی اجازه داده شود که محصولاً نشان را به میزان ۳۰ درصد از اهداف تولید تعیین شده، بطور مستقیم در بازارهای محلی بفروش برسانند. در ضمن به کارگران مزارع جمعی و دولتی اجازه داده شد که زمان بیشتری را به فعالیت‌های شخصی اختصاص دهند. از اول ماه مه ۱۹۸۷ نیز افراد از این حق برخوردار شدند که به حساب خود نیز کار کنند و یا با پیوستن به دیگران یک تعاونی برای عرضه خدمات یا تولید بعضی از مصنوعات در سطح محدود بوجود آورند<sup>۱</sup>».

### تعاون در کشورهای در حال توسعه

اصطلاح کشورهای در حال توسعه بلافاصله این نکته را بذهن متبادر میکند که تمام برنامه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی—

اجتماعی این کشورها مصروف توسعه می‌گردد، خواه این توسعه هدف باشد خواه وسیله. بدون تردید میتوان گفت که توسعه مقصود هر سه گروه از کشورها است اما در هر کدام ماهیتی متفاوت، مفهومی نه کاملاً یکسان و شرایطی مخصوص بخود دارد، و تقدیر چنین بود که تعاون در هر سه گروه از کشورها با توسعه اقتصادی آنها همزاد همراه باشد.

توسعه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری جریانی خودجوش از تکامل نیروهای اجتماعی و اقتصادی درون جامعه بود که همزمان همه نهادهای اجتماعی و اقتصادی را دستخوش تحول و دگرگونی کرد. به عبارت دیگر در این کشورها مردم خود به جریان توسعه دامن زدند و متقابلاً از آن متأثر شدند و تعاون نیز بدست خود مردم بوجود آمد. اما در دو گروه دیگر وضع کاملاً متفاوت بود. در کشورهای سوسیالیستی هدف برقراری سوسیالیسم بود لذا نظام اقتصاد سوسیالیستی را الگوی توسعه اقتصادی خود قرار داده بودند و تعاون تنها در چارچوب این الگو آزادی حرکت داشت تا حدی که فقط بتواند به اهداف سوسیالیسم خدمت نماید. با در نظر گرفتن عقاید رهبران سوسیالیسم نسبت به تعاون مشخص است که دولت، تعاون را به شکل ابزاری برای رسیدن به این هدف و نهایتاً ادغام بخشی از نیروهای

(۱): موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، پیشین، صص ۴۰-۴۱.

— دولتهائی که توسعه و پیشرفت اقتصادی را هدف برتر خود میدانستند تعاون را وسیله ای بحساب می آوردند که به توسعه اقتصادی خدمت کند.

و خاستگاه اجتماعی دولت جوان در تعارض بود و تنها خود دولت بود که باید این ساخت اجتماعی - اقتصادی را دگرگون میکرد. برای اینکار می بایست نهادهای مناسب را با تشکل های (یا بافت) اجتماعی این جوامع پیوند میداد و تعاون از جمله این نهادها بود که در غالب این کشورها خود دولت مستقیماً آنرا تاسیس و اداره میکرد. دولتهائی که در این کشورها پس از رهائی از استعمار یا نوسازی سیاسی به قدرت رسیده بودند، دو نوع برخورد عمده با نهضت تعاونی داشتند: دولتهائی که توسعه و پیشرفت اقتصادی را برتر خود میدانستند و تعاون را وسیله ای بحساب می آوردند که به توسعه اقتصادی خدمت کند. در این حالت تعاون بعنوان ابزاری برای سازماندهی و نوسازی روابط تولیدی، تخصیص منابع متناسب با این روابط و نهایتاً تغییر در جریان منافع طبقاتی و ایجاد طبقه متوسط جدیدی که پشتیبان سیاسی دولت جدید باشد، محسوب میگردد.

در دسته دوم از کشورهای در حال توسعه، عدالت اقتصادی حساسترین مساله ای بود که رهبران سیاسی بدان می اندیشیدند و بدنبال یافتن نظامی اقتصادی - اجتماعی بودند تا ضمن آنکه توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را تضمین نماید سرانجام بعنوان

تولیدی که امکان تطبیق سریع با روشهای سوسیالیستی و سوسیالیسم را ندارند - باصطلاح از بالا مجدداً سازماندهی و هدایت کرد.

اما در کشورهای در حال توسعه وضع به گونه ای دیگر بود. هنگامی که عوامل کلاسیک خارجی بازدارنده دگرگونی و توسعه اقتصادی با مبارزات استقلال طلبانه و ضداستعماری این ملل تا حدودی از میان رفت، تمامی وظیفه ایجاد این دگرگونی و توسعه بر دوش نیروهای سیاسی جوان این جوامع (دولت نوپا) افتاد. این نیروی سیاسی با سه مسأله کلی روبرو بود:

اول - یک اقتصاد روستائی بسته که عمده بر نیروهای تولید کشاورزی - فئودالی به شیوه سنتی تکیه داشت.

دوم - سلسله مراتب اجتماعی که در راس آن گروه قلبی از مالکان عمده قرار داشتند و در قاعده آن توده عظیمی از رعایا و کشاورزان که عقب ماندگی و بافت فکری ایستای آنان مانع بزرگی بر سر راه هرگونه تحول درونی و ذاتی بود.

سوم - نابرابری و بی عدالتی اقتصادی عظیمی که مانعی بزرگ بر سر راه هرگونه توسعه اقتصادی و تحول نیروهای تولیدی جامعه بشمار می رفت.

هر سه مورد دقیقاً با ساخت ایدئولوژیک



مکتبی که متضمن مفاهیم متعالی عدالت و رفاه انسانی است در جامعه تثبیت گردد. تعاون در این دسته از کشورها انتخابی بود از میان الگوهای توسعه اقتصادی که باید این منظور را برآورده میساخت به گفته «غنی قوسی»: در اینحالت تعاون بعنوان هدف سیاست توسعه اقتصادی مطرح گردید... بارزترین شکل این برخورد با تعاون را در کشور هندوستان بعد از پیروزی انقلاب به رهبری «مهاتما گاندی» مشاهده می‌کنیم. «پاندیت نهرو» نخست‌وزیر فقید هند در این باره گفته بود:

«نه تنها شخصاً خود را یک خواری مکتب همکاری و تعاون میدانم بلکه اعلام میدارم سرزمین هند نیز در انتخاب چنین راه و رسمی از هر حیث مخیر و آزاد است تا بجای هر مسیر دیگر طریق اقتصاد تعاونی پیموده و بعقیده من سعادت و خوشبختی ملت هندوستان جز از طریق نهضت تعاونی میسر نخواهد بود»<sup>۱</sup> و نقش نهضت تعاونی در سیاست توسعه اقتصادی دولت هندوستان در یکی از گزارشات دولتی چنین عنوان گردیده است.

«در یک اقتصاد برنامه‌ای که ارزش دموکراسی و سوسیالیسم در گرو آن است نهضت پیشرفته تعاونی باید بصورت زیربنای

محکم بسیاری از رشته‌های اقتصادی (خصوصاً کشاورزی، آبیاری، صنایع کوچک، تبدیل، بازاریابی، توزیع، تدارک روشنائی روستاها، احداث خانه و تاسیسات روستائی و ایجاد زمینه‌های مودت در جوامع محلی) تجلی نماید. حتی در صنایع متوسط و بزرگ و در حمل و نقل نیز میتواند یک رشته از فعالیت‌های شدید تعاون صورت گیرد. این است تصور هندیها از یک جامعه نمونه سوسیالیستی که از نظر سیاست برنامه‌ریزی در هندوستان هدف از آن ایجاد تعداد کثیری واحدهای غیر متمرکز اقتصادی در بخشهای سه گانه تکامل اقتصادی می‌باشد.<sup>۲</sup>»

اما تصویری که از سوسیالیسم در هند وجود دارد بدنبال هماهنگ نمودن خواستهای فردی با تمایلات جمعی، آنهم از طریق تعاونیهاست. توجه به این نکته ضروری است که منظور از جامعه نمونه سوسیالیستی، نظام اجتماعی معمول در ممالک اروپای شرقی نیست. سوسیالیسم به شیوه‌ای که هندیها سعی بر تحقق آن دارند، ایجاد نوعی سیستم سوسیالیستی منطبق با فلسفه سیاسی «مهاتما گاندی» است که «جواهر لعل نهرو» نیز بدان معتقد بود و با جملاتی این چنین آنرا تشریح میکرد: «ما مجبوریم به این اصل معتقد باشیم

(۱): پل لامبر، فلسفه اجتماعی شرکت‌های تعاونی، ترجمه حسین سالکی، (تهران: اتحادیه

شرکت‌های تعاونی مصرف، آبان ۱۳۴۶) ص ۴۰۴.

(۲): غنی قوسی، نهضت تعاون در کشورهای در حال رشد (تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، مهر

ماه ۱۳۵۳) ص ۵.

که دارای سابقه‌ای روشن و مشخص هستیم، خصوصاً سابقه‌ای که بر عقاید گاندی مبتنی است. بعلاوه مقصود هندیها از سوسیالیسم و لاجرم ایجاد یک حکومت سوسیالیستی این است که از طریق برنامه‌های صحیح اقتصادی، افزایش سریع درآمد ملی تضمین شود. برای تلفیق این دو هدف سعی می‌شود با ایجاد سازمانهای اجتماعی «تمایلات جمعی با خواستههای فردی» هماهنگ شود. بنابراین تصور هندیها از توسعه، شیوه‌ای که برای نیل به این هدف ایجاد شده عبارت است از تجدید بنای سیستم اجتماعی از پائین از طریق توسعه نهضت تعاونی در روستاها و از راه پیاده کردن برنامه‌های توسعه و پیشرفت از بالا<sup>۱</sup>».

اگر در هند هماهنگی خواستههای فوری و تمایلات جمعی بنوعی پایه نظری برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی قرار گرفت، در اندونزی اصل «همه اعضای یک خانواده‌اند»<sup>۲</sup> چنین نقشی را برعهده گرفت به این ترتیب در اندونزی تأکید بر اهمیت جمع بیشتر از هند مطمح نظر قرار داشت.

حکومت انقلابی مصر به رهبری «جمال عبدالناصر» نیز در پی چنین هدفی، بعد از سال ۱۹۵۷ (سال اعلام برنامه عمرانی پنج ساله اول مصر) با شدت هر چه تمامتر شروع به تعاونی نمودن رشته‌های صنعتی این کشور کرد و رسماً اعلام شد که نظام اقتصادی و اجتماعی مصر باید

بر پایه سوسیالیسم تعاونی باشد.» این هدف بویژه از سخنرانی «ناصر» رئیس جمهور فقید مصر بمناسبت نهمین سالگرد انقلاب این کشور روشن میگردد. در این سخنرانی ناصر درخواست میکند که نظام اقتصادی مصر باید بر اساس سوسیالیسم تعاونی استوار گردد زیرا تنها چنین نظامی قادر است پاسخگوی نیازمندیهای اجتماعی مصر باشد و فقط از این طریق است که میتوان به بهترین وجه به رفاه توأم با عدالت اجتماعی نائل آمد<sup>۳</sup>».

بنابراین تعاونی به عنوان پاسخی به نخستین و شاید حادثترین مسأله این دولتها مطرح گردید. چنین حرکتی چنانچه موفق می‌شد، تغییری جدی در جریان منافع طبقاتی ایجاد میکرد و ساخت اجتماعی جدیدی را بوجود می‌آورد که به عنوان پایگاه محکم سیاسی این دولتها محسوب میگردد. به این منظور باید سازماندهی جدید اقتصادی ایجاد میگردد و تخصیص منابع بنحوی جریان می‌یافت که ساخت مذکور را بوجود آورد. در این رابطه بافت اجتماعی-اقتصادی که برای این رژیم به اثر رسیده بود (یعنی، اقتصاد سنتی کشاورزی با گروه عظیمی از رعایا و دهقانان بدون زمین) که فعالیتهای کشاورزی بخش بزرگی از درآمد ملی آن را تشکیل میداد- همراه با صنایعی نوپا و ابتدائی، از یکسو و توانائی سازمانهای تعاونی از سوی دیگر مطرح گردید. توسعه که

(۱): همان.

(۲): همان، ص ۴۰.

(۳): همان، ص ۶.

رشد بخش صنعت را به عنوان یک ضرورت ذاتی قلمداد میکرد و میزان توانائی محدود تعاونی بر رویهم باعث شد تا نقش مذکور بیشتر به بخش کشاورزی محدود شود زیرا به گفته غنی قوسی:

«گرچه وجود تشکیلات تعاونی از لحاظ اقتصادی برای توسعه، اقتصاد روستائی ممالک توسعه نیافته اجتناب ناپذیر است لیکن موسسات تعاونی قادر نیستند نقش مشابهی در توسعه آندسته از بخشهای اقتصادی که جنبه زیربنائی داشته و رشد اقتصاد ملی تا حد زیادی به توسعه این بخشها بستگی دارد ایفا نمایند، از جمله این بخشها، بخش صنعت است که افزایش سریع تولید ملی منوط به توسعه و رونق این بخش است. در مقابل اهمیت شرکتیهای تعاونی بعنوان وسیله سیاست توسعه بیشتر به آندسته از فعالیتهای اقتصادی مربوط میشود که کمتر باخیز بزرگ برای پیشرفت در تماسند. کشاورزی از جمله این بخشهای اقتصادی است»<sup>۱</sup>.

فقدان هرگونه نهاد اقتصادی - اجتماعی در روستا که حاصل پیشرفت و تحول اقتصاد بازار باشد و بتواند آنرا به یک اقتصاد ملی سازمان یافته مبتنی بر بازار پیوند زند باعث شد تا تعاون نقش متفاوتی را در فعالیت های اقتصادی روستائی در کشورهای در حال توسعه بر عهده بگیرد. این امر بخصوص بعد از تخصیص مجدد مهمترین عامل تولید

یعنی زمین (اصلاحات ارضی) رخ نمود. در این حالت وضعیت بگونه ای شد که تعاونی میبایست با شرایط و کیفیت نیروهای تولید و وضعیت اجتماعی و فرهنگی این جوامع انطباق یابد. به عبارت دیگر «تعاون در این کشورها مجبور شد خود را با شرایط نامطلوب تولید هماهنگ سازد و وسیله ای شود برای از بین بردن شرایط نامطلوب مادی موجود در این ممالک»<sup>۲</sup>.

علاوه بر این نقش متفاوت، به دلیل عدم وجود هرگونه نهاد اقتصادی مدرن در روستا، تعاون نقش عمده ای را در فعالیت های اقتصادی بر عهده گرفت. «در سال ۱۹۶۰ در تانگانیکا شرکتیهای تعاونی توانستند حدود ۸۰ درصد از برداشت محصول پنبه را بخود اختصاص دهند. شگفت آور نیست اگر گفته شود که حدود ۴۵ درصد از مجموع صادرات این کشور در همان سال از طریق شرکت های تعاونی صورت گرفته است»<sup>۳</sup>.

بنابراین مجموعه این عوامل باعث شد تا دولت در این کشورها خود مسئول سازماندهی و ایجاد شرکت های تعاونی گردد. یک خصوصیت عمده تعاونیها در کشورهای پیشرفته (هم در کشورهای پیشرفته سرمایه داری هم کشورهای سوسیالیستی اروپا) و در مهد ظهور آن، وجود رهبران و پیشتازان متفکر و متعهدی بود که توانستند نهضت تعاونی را از بطن نهضت های خود یاری مردمی به ثمر بنشانند. فقدان این رهبری

(۳): همان، ص ۵۵.

(۲): همان، ص ۷۹.

(۱): همان، ص ۱۱-۱۲.

در کشورهای در حال توسعه باعث شد این نقش بر عهده خود دولت قرار گیرد.

جایگزینی دولت بجای رهبری مردمی و درون جوش باعث شده نهضت تعاونی در این کشورها با دستگاه بوروکراتیک اداری پیوند بیابد. در بیشتر موارد این پیوند همچون مانعی در راه توسعه و موفقیت تعاونی عمل کرده است چرا که هرگونه ابتکار عمل و خلاقیت و اتکاء به خویش در اداره امور اجتماعی را که لازمه تعاون واقعی است از بین میبرد. در حالی که در کشورهای پیشرفته، تعاون به همراه بسیاری از نهضت های خودیاری — که صرفاً با اتکاء بر عمل خلاقه فردی و نه تصمیم گیری های سیاسی که بایستی از کانال های بوروکراتیک بگذرد — نقش عمده ای در حل مسائل و مشکلات مردم دارد. همکاری تعاونیها و اتحادیه های کارگری و وجود انواع نهضت های خود جوش دیگر که بدست خود مردم و برای حل مشکلاتشان بوجود آمده است شاهدهی بر این مدعاست. دکتر «مورتیز بونو» لازمه ایجاد یک سازمان کارآمد خودیاری مانند تعاون را وجود کارکنان تحصیل کرده و رهبران دوراندیش و صاحب نظر میدانند و یکی از دلایل ضعف نهضت تعاونی در پاره ای از کشورها را فقدان یک کادر پرتحرک رهبری

می شمارد<sup>۱</sup>. وی وجود تعاونیها را یکی از ابزار بسیار لازم برای تقسیم وظایف اجتماعی میان دولت های غربی و سازمانهای خودیاری داوطلبانه میداند و می افزاید: «یکی از جنبه های مهم بسیاری از دموکراسیهای مغرب زمین وجود این قبیل سازمانهای داوطلبانه است که در حیات اجتماعی نقش مهمی بر عهده داشته و در زمینه های مختلف مکمل کار مقامات دولتی و شهرداریها هستند.» (این است نمونه دیگری از تقسیم وظایف در کار خلاقه اجتماعی میان مقامات دولتی و سازمانهای داوطلبانه دموکراتیک<sup>۲</sup>).

اما نقش دولت در این کشور صرفاً به رهبری محدود نمانده و تقریباً در کلیه مراحل تشکیل و اداره تعاونیها، دولت عمیقاً درگیر بوده است. آموزش تعاونی که یکی از مهمترین اصول تعاون است بر عهده دولت بوده بعلاوه قانونگذاری و بخصوص تامین سرمایه اولیه لازم برای آنان نیز همه از وظایف حکومت — نه خودیاری خود مردم — محسوب گردیده است. تمامی این موارد خود را بشکل مشکلاتی نشان داد که موجبات کارکرد غیر موفق و حتی شکست نهضت تعاون گردید. «در شرایطی که تعاونیها رأساً با سرمایه کامل دولت تاسیس میگردید، اعضاء شرکت که مسئولیت تضامنی با

(۱): سازمان مرکزی تعاون کشور، رهبری تعاون در آسیای جنوب — شرقی، (تهران: سازمان مرکزی

تعاون کشور، اسفند ۱۳۴۸) ص ۳.

(۲): همان، ص ۳۷.

یکدیگر نداشتند هرگز احساس مالکیت نسبت به وجوه شرکت نمی‌کردند و باورشان نمی‌شد پول موجود در واقع مایملک خود آنهاست و یا شرکت به آنها تعلق دارد و هیئت مدیره شرکت درید خود آنهاست<sup>۱</sup>».

ماروین ج. وین بام در مطالعه وضعیت کشاورزی کشورهای خاورمیانه و بررسی نقش تعاونیها در آن میگوید: «انجام اصلاحات ارضی و ایجاد تعاونیهای کشاورزی دو سیاست مکملی است که در سایه آن تلاش شده است تا هم به عدالت اجتماعی و هم به دموکراسی سیاسی دست یافت» اما عملکرد تعاونیها را با توجه به داده‌ها و حقایق موجود چندان دلگرم کننده نمی‌داند. او مهمترین عامل رکود تعاونیها را «دیوان سالاری» میدانند و معتقد است پایگاه شهری دیوان سالاران دولتی بتدریج تعاونیهای روستایی را در جهت منافع شهرنشینان منحرف می‌کنند. وی معتقد است به علت کمبود سرمایه و عدم شناخت کامل مردم از تعاونی که گاه حتی سبب مخالفت آنان با تعاونی می‌گردد، دولت خود باید مشوق و پشتیبان نهضت تعاون باشد لیکن مهمترین نکته این است که هدایت و نظارت باید از نوعی باشد که مادر در آموزش شیوه راه رفتن کودک دارد لیکن تعاونیهای خاورمیانه

مبدل به صحنه تاخت و تاز دولت شده و در حکم تیول لشکر بوروکراتها در آمده‌اند.<sup>۲</sup>

### تعاونی در هند

پس از تصویب قانون شرکت‌های تعاونی اعتبار که برای مبارزه با رباخواری در روستاها بکار گرفته شد نخستین شرکت تعاونی در هندوستان در سال ۱۹۰۴ تشکیل گردید و از آن زمان تا کنون نهضت تعاون در هندوستان پیشرفت فوق‌العاده‌ای نشان داده است. این پیشرفت خاصه در حوزه شرکتهای تعاونی کشاورزی، شرکت‌های تعاونی بازاریابی و پردازش محصولات کشاورزی، عرضه نهاده‌های زراعی و توزیع کالاهای مصرفی، بیشتر بچشم می‌خورد. تا پایان ژوئن سال ۱۹۸۲، ۲۸۸ هزار شرکت تعاونی در کشور وجود داشته است که حدود ۶۵ درصد آن در نواحی روستایی فعالیت می‌کردند و بیشتر در خدمت زارعین، کارگران کشاورزی فاقد زمین روستایر اقبال روستائیان بودند. در جدول زیر تحولات مربوط به شرکت‌های تعاونی در فاصله سالهای ۱۹۶۰-۶۱-۱۹۸۱-۸۲ آورده شده است.

(۱): همان، ص ۲۴۶.

(۲): علی اکبر امینی، «عملکرد تعاونیها در خاورمیانه»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره هفتم (فروردین ماه ۶۷)، ص ۰۶۴ در تنظیم مطالب این قسمت از توضیحات مترجم محترم آقای امینی که در انتهای مقاله تلخیص شده از کتاب ماروین وین بام استفاده گردیده است.

جدول (۱): تعداد شرکتهای، تعداد اعضاء، میزان سرمایه سهمی و سرمایه در گردش شرکتهای تعاونی هند در فاصله ۱۹۶۰-۶۱ و ۱۹۸۱-۸۲

۱۹۸۱ - ۸۲	۱۹۸۰ - ۸۱	۱۹۷۵ - ۷۶	۱۹۷۰ - ۷۱	۱۹۶۰ - ۶۱	
۲۸۸	۲۹۹	۳۱۰	۳۲۰	۳۳۰	تعداد شرکتهای ( هزار شرکت )
۱۱۲/۹	۱۰۶/۲	۸۴/۸	۶۴/۴	۳۵/۲	تعداد اعضا ( میلیون نفر )
۲۱۰۰۰	۲۰۸۸۰	۱۵۲۹۰	۸۵۱۰	۲۲۲۰	میزان سرمایه سهمی ( میلیون روبیبه )
۲۱۰۰۰۰	۲۰۰۲۱۰	۱۲۲۲۲۰	۶۸۱۰۰	۱۳۱۲۰	سرمایه در گردش ( میلیون روبیبه )

ماخذ:

Ministry of Information and Broadcasting, *India 1984*, (India: Ministry of Information and Broadcasting, March 1985), p.309.

### تعاونیهای اولیه اعتبار کشاورزی

تاکنون بیشترین تعداد شرکتهای تعاونی، مربوط به تعاونیهای اعتبار روستائی بوده اند.

مطالعه ارقام جدول نشان میدهد که در این دوره ۲۱ ساله تعداد اعضاء شرکتهای به بیش از سه برابر، میزان سرمایه اعضا به بیش از نه برابر و سرمایه در گردش تعاونیها به

فقدان هرگونه نهاد اقتصادی - اجتماعی در روستا که حاصل پیشرفت و تحول اقتصاد بازار باشد و بتواند آنرا به یک اقتصاد ملی سازمان یافته مبتنی بر بازار پیوند بزند باعث شد تا تعاونی نقش متفاوتی را در فعالیت های اقتصادی روستائی در کشورهای در حال توسعه بر عهده بگیرد.

تا پایان ژوئن سال ۱۹۸۲ تعداد ۹۴۶۲۸ شرکت وجود داشته که حدود ۹۶ درصد از مناطق روستائی را پوشش داده اند. تعداد اعضاء این شرکت ها ۶۰/۷ میلیون نفر در مدت مذکور بوده است. این شرکت ها بمنظور آنکه بتوانند خدمات خود را به

بیش از پانزده برابر رسیده است. جالب است بدانیم که در همین مدت تعداد شرکتهای نیز کاهش یافته و از ۳۳۰ هزار به ۲۸۸ هزار شرکت رسیده است که عین این پدیده را در مورد شرکتهای تعاونی کشورهای پیشرفته نیز مشاهده کرده ایم.

بخشهای ضعیف جمعیت روستائی نیز گسترش دهند سیاست «عضویت همگانی»<sup>۱</sup> را در پیش گرفته اند. تا پایان ژوئن ۱۹۸۲ سرمایه اعضاء این شرکت ها به ۵۹۸۰/۲۳ میلیون روپیه بالغ گردیده و میزان وامهای کشاورزی کوتاه مدت آن به ۱۷۰۷۰ میلیون روپیه رسیده است.

### تعاونیهای بازاریابی و پردازش محصول

ساختار تعاونی در بخش بازاریابی و پردازش محصولات کشاورزی شامل ۴۰۰۲ شرکت تعاونی است که تمامی بازارهای مهم محصولات کشاورزی در کشور را پوشش میدهند، ۳۰۸ شرکت بازاریابی تعاونی ناحیه‌ای/ منطقه‌ای شامل ۲۰۸ شرکت عرضه و بازاریابی شکر و اتحادیه نی شکر، ۳۱ فدراسیون ایالتی تعاونیهای بازاریابی و یک فدراسیون ملی تعاونی بازاریابی کشاورزی میباشد. ارزش کل محصولات تولیدی که در سال ۱۹۸۱-۸۲ بوسیله این تعاونیها بفروش رسیده است به ۲۲ هزار میلیون روپیه بالغ میشود. ارزش حبوبات بفروش رسیده از ۲۲۰۰ میلیون روپیه در سال ۱۹۶۸-۶۹ به ۶۵۰۰ میلیون روپیه، در سال ۱۹۸۱-۸۲ رسیده است. طی سال ۱۹۸۲-۸۳ میزان فروش فدراسیون ملی تعاونی بازاریابی کشاورزی به ۱۰۵۷/۹ میلیون روپیه بالغ شد. در سال ۱۹۷۶-۷۷ این رقم ۳/۳۰۵

میلیون روپیه بود.

بخش پردازش محصول، ساختاری با دو طرح متفاوت است: (الف) واحدهائی که شرکت‌های مستقل پردازش آنرا ایجاد کرده اند، (ب) واحدهائی که بوسیله شرکت‌های تعاونی بازاریابی بوجود آمده و وابسته به آنها هستند، واحدهای بزرگتر در گروه (الف) قرار دارند، نظیر کارخانجات قند و شکر، کارخانجات ریسندگی و بافندگی و کارخانجات استحصال مایعات و عصاره‌های مختلف، واحدهای متوسط و کوچک نظیر کارخانجات برنج پاک کنی، کارخانه روغن کنی، کارخانه پنبه پاک کنی و واحدهای عدل بندی کنف عمدتاً در گروه (ب) قرار می‌گیرند. در فصل استحصال شکر در سال ۱۹۸۲-۸۳، ۱۵۶ کارخانه تعاونی قند و شکر در حال کار بودند و ... ۴۵۳۵ تن شکر که ۵۵ درصد از کل شکر تولیدی در داخل کشور را تشکیل میدهد، تولید نمودند.

### — انبارداری

شرکت ملی توسعه تعاونی مسئول برنامه ریزی و تامین مالی برنامه‌های افزایش ظرفیت انبار تعاونی‌ها در سطوح مختلف است. تا پایان ژوئن ۱۹۸۳ ظرفیت انبارداری در بخش تعاونی به بیش از ۶/۵ میلیون تن رسیده که این مقدار در سال ۱۹۶۰-۶۱ تنها ۸۰۰ هزار تن بوده است. تا

(1): Universal Membership

نقش دولت در این کشورها صرفاً به رهبری محدود نمانده است و تقریباً در کلیه مراحل تشکیل و اداره تعاونیها دولت عمیقاً درگیر بوده است.

ترتیب به ۲۲۵ و ۶۶ واحد میرسد. در طول سال ۱۹۸۲-۸۳ تعداد دوک‌های نصب شده در بخش تعاونی ۱/۶ میلیون واحد بود.

### تعاونیهای لبنیات

در ۳۱ دسامبر سال ۱۹۷۸، از ۱۹۰ کارخانه لبنیات در حال تولید در هند، ۸۰ واحد از آنها متعلق به بخش تعاونی بوده است. در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۸۲، ۳۱۳۹۵ تعاونی عرضه شیر (تعاونیهای اولیه لبنیاتی) با ۲۹/۵ میلیون نفر عضو وجود داشته و ارزش شیر و لبنیات عرضه شده به بازار بالغ بر ۳۰۶ میلیون روپیه بوده است. تعاونیهای اولیه شیر به ۲۰۳ اتحادیه تعلق دارند.

### تعاونیهای ماهیگیری

در ساختار سازمانی تعاونیهای ماهیگیری، تعاونیهای ماهیگیری اولیه در قاعده قرار می‌گیرند و فدراسیون تعاونیهای ماهیگیری بر آن بنا میگردد. این فدراسیون نیز شامل: فدراسیون‌های ناحیه‌ای، فدراسیون‌های مرکزی و فدراسیون‌های ایالتی است. فدراسیون کل تعاونیهای ماهیگیران هند نیز در سال ۱۹۷۹-۸۰ ایجاد گردید. در

پایان ژوئن ۱۹۸۳، ۳۲۰۵۸ انبار در روستاها و ۵۷۹۹ انبار مربوط بازاریابی ساخته شده است. شرکت باهمکاری «جامعه اقتصادی اروپا» و «اتحادیه توسعه بین‌المللی» (International Development Association) برنامه عظیم ساختن ۲۰ هزار انبار با ظرفیت ۳/۷ میلیون تن در ده ایالت و همچنین ۱۲۷ سردخانه در پنج ایالت - که در آنها سیب زمینی کشت میشود - را آغاز کرده است.

### تعاونیهای صنعتی

تعاونیها موضع بسیار مهمی را در صنایع کوچک، صنایع روستائی و صنایع بافندگی دستی اشغال کرده‌اند. تا پایان ژوئن ۱۹۷۹، ۴۵۴۵۸ تعاونی صنعتی با ۲۲۸ میلیون<sup>۱</sup> عضو وجود داشت. در طول سال ۱۹۷۸-۷۹ فروش شرکت‌های تعاونی اصلی به حدود ۲۷۲۷ میلیون روپیه بالغ گردید.

### تعاونیهای ریسندگی و بافندگی

تعداد کل کارخانه ریسندگی و بافندگی که تا سال ۱۹۸۲-۸۳ یا سازماندهی شده و یا نصب گردیده‌اند به

(۱): این رقم عیناً در منبع اصلی ذکر شده است و برای رعایت امانت در نقل قول بهمین صورت باقی ماند والا با ارقام جدول شماره یک تناقض دارد.



ژوئن سال ۱۹۸۲، ۴۹۲۳ تعاونی اولیه ماهیگیران با ۵۴۶ هزار عضو وجود داشته است.

### — تعاونیهای مرغداری

تا پایان ژوئن ۱۹۸۱، بیش از ۱۴۳۷ تعاونی مرغداری با ۱۰۱۷۸۰ عضو وجود داشته است.

### — تعاونیهای مصرف

تعاونیهای مصرف در هند بعنوان کانال اصلی سیستم توزیع کالاهای مصرفی هم در مناطق شهری و هم روستائی بوجود آمده اند. در مناطق شهری یک ساختار چهار رده ای شامل: فدراسیون ملی، فدراسیون ایالتی، فروشگاههای مرکزی / عمده فروشی در سطح ناحیه و فروشگاههای خرده فروشی، در طول

در یک دوره ۲۱ ساله تعداد اعضا شرکت ها در هند به بیش از سه برابر، میزان سرمایه اعضا به بیش از نه برابر و سرمایه در گردش تعاونیها به بیش از پانزده برابر رسیده است.

### — تعاونی عرضه نهادههای کشاورزی

نزدیک به ۴۷ درصد از کل کودهای شیمیائی که در هند توزیع میگردد از طریق شبکه تعاونیها بفروش میرسد. «تعاونی کودهای زراعی» تنها واحد تعاونی تولید کود شیمیائی در مقیاس بزرگ و یکی از مهمترین تولید کنندگان کود شیمیائی در این کشور است که سهم آن در کل تولید ملی ۱۳ درصد از کودهای نیتروژنه و ۲۹ درصد از کودهای فسفات است و حدود ۲۶ هزار موزه تعاونی از فدراسیون تعاونی ملی گرفته تا تعاونیهای کوچک روستائی عضو آندند. این واحد با کمک دولت هندوستان و با حمایت تعاونیهای کشور با هدف تولید و فروش کودهای شیمیائی به کشاورزان عضو تعاونیها تاسیس گردیده است. البته استراتژی بازاریابی این واحد تنها به کودهای شیمیائی محدود نمانده و سایر نهادههای مدرن کشاورزی را نیز در برمیگیرد.

چند سال بوجود آمده اند. در مناطق روستائی شرکتهای عمده و شرکت های واسط، کالاهای مصرفی کنترل شده و آزاد را به روستائی میسرسانند. «فدراسیون ملی تعاونی مصرف» (National Consumer cooperative Federation) مسئول خریدهای عمده کالاهای اساسی و توزیع آن به سازمانهای وابسته است. در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۸۳، پانزده فدراسیون تعاونی مصرف ایالتی، هفت فدراسیون ایالتی تعاونیهای بازاریابی — مصرف، ۵۹۰ شرکت تعاونی مصرف مرکزی / عمده فروشی در سطح ناحیه و ۱۸۶۹۰ تعاونی مصرف اولیه وجود داشته است.

همچنین فدراسیون ملی تعاونی مصرف، صنایع تولید کالاهای مصرفی نظیر تولید دفترچه، ادویه جات، چای و انواع معینی از منسوجات، تیغ ریش تراشی و غیره را با علامت تجاری مخصوص خود اداره میکنند.

فروش سالیانه آن در سال ۱۹۸۲-۸۳، ۱۴۰۰/۴۵ میلیون روپیه بود که رقم مشابه آن در سال ۱۹۸۱-۸۲ تنها به ۱۲۶۰/۶۹ میلیون روپیه بالغ میشد.

در طول سال ۱۹۸۲-۸۳ فروش تعاونیهای مصرف شهری به ۱۱۹۴۰ میلیون روپیه رسید که در سال ۱۹۸۱-۸۲ این رقم تنها ۱۱۶۷۰ میلیون روپیه بود.

### نتیجه گیری

اصول شرکت های تعاونی بکلی آنها را از شرکت های خصوصی سرمایه داری مجزا می نماید. شرکت های تعاونی عملاً از دو جنبه اجتماعی و اقتصادی زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می دهند. بررسی شرکت های تعاونی در کشورهای پیشرفته نشان میدهد که علی رغم رشد سریع اولیه، در چند دهه اخیر تعداد این شرکت ها کاهش یافته است. این کاهش عمدتاً بدلیل ادغام آنها در یکدیگر بوده نه اضمحلال شرکت ها، که نتیجه آن بزرگتر شدن هر یک از این شرکت هاست. البته باید اذعان داشت که

تعداد اعضا این شرکت ها نیز مرتباً افزایش یافته و جمعیت بیشتری تحت پوشش فعالیت آنها قرار گرفته اند. بنابراین علی رغم کاهش تعداد شرکت ها میتوان گفت که دامنه فعالیت نهضت تعاون در این دسته از کشورها - بطور مطلق - مرتباً وسیع تر شده است. نظیر این پدیده را در برخی از کشورهای در حال توسعه نیز مشاهده می کنیم. در هند تعداد شرکت ها کاهش یافته اما تعداد اعضا آن افزایش یافته اند که نشان دهنده وسعت گرفتن دامنه فعالیت تعاونیها در این کشور است. نتیجه مشخص آنکه هیچ نشانی از افول نهضت تعاونی در جهان بیچشم نمی خورد و این نهضت همچنان دامنه فعالیت های بشر دوستانه اقتصادی و اجتماعی خود را در میان مردم بیشتری گسترش می دهد. همچنانکه قبلاً نیز تذکر داده شد در کشور ما لازم است با عنایت به اصول و ارزش های برخاسته از اسلام و انقلاب اسلامی و ویژگیهای خاص کشورمان شرکت های تعاونی تشکیل و در کنار بخش های دیگر دولتی و خصوصی فعالیت داشته باشند.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف - فارسی

(۱) - اسمیت، لوئیس، سیر تکاملی تعاون کشاورزی، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، آذر ماه

۱۳۴۹.

- (۲) — امینی، علی اکبر، «عملکرد تعاونیها در خاورمیانه» اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره هفتم، فروردین ماه ۱۳۶۷.
- (۳) — سازمان مرکزی تعاون کشور، رهبری تعاونی در آسیای جنوب شرقی، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، اسفندماه ۱۳۴۸.
- (۴) — قوسی، غنی، نهضت تعاون در کشورهای در حال رشد، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، مهرماه ۱۳۵۳.
- (۵) کمپیل، دبلیو.ک. ا.ج.، جنبه‌های عمل تعاون در آسیا و آفریقا، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۴۹.
- (۶) — لامبر. پل، فلسفه اجتماعی شرکتهای تعاونی، تهران: اتحادیه شرکتهای تعاونی مصرف، آبان ۱۳۴۶.
- (۷) — مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بررسی امکانات خرید کالا و خدمات از کشورهای عضو شورای همکاری متقابل (کومکن)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۷.
- (۸) — هلم، فرانتس، اقتصاد مؤسسات تعاونی، تهران: سازمان مرکزی کشور، بهمن ماه ۱۳۴۹.

## ب — لاتین

- 9- Ency clopaedia Britannica Inc. *The New Encyclopaedia Britannica* Chicago: Helen Hemingway Benton 1974.
- 10- Europa Publication Limited, *The Europa Yearbook 1986* 2vols. Englaned: Europa Publication Limited 1986.
- 11- Fazel Sarjui, Mandana, *Farm Cooperation in Agricultural Development of Iran*, Illi nois: University of Illinois.M.S. thesis 1980.
- 12-Ministry of Information and Broad casting, *India 1984* India: Ministry of Information and Broad casting March 1985.
- 13- *Poland, A Handbook*, Warswa : Interpress Publishers. 1974.